



دو فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات کردی دانشگاه

آزاد اسلامی واحد سنندج

دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

## بررسی تطبیقی ظرافتهای بیانی در مرثیه‌های مستوره اردلان و احمد بیگ کوماسی

آرزو برومندی<sup>۱</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج:

ایران.

DOI:

به‌رواری وه‌رگرتن: ۲۰۲۵/۴/۱۰

به‌رواری قبول: ۲۰۲۵/۸/۱۳

صفحات: ۴۵-۶۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۲۲

### چکیده

مرثیه شعری است که در ماتم درگذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران و اظهار تأسف بر مرگ شاهان و بزرگان و سران قوم و ذکر مصائب پیشوایان دینی سروده می‌شود. بیشتر شاعران در زبانهای گوناگون تجربیاتی از این نوع شعر داشته‌اند. در ادب کردی مرثیه مستوره اردلان (۱۲۶۴-۱۲۲۰ هـ.ق) برای خسروخان ناکام، همسرش، بسیار مشهور است. او در این مرثیه‌ها پرشورترین و احساسی‌ترین مفاهیم را در رثای همسرش به کار می‌برد. از طرف دیگر، احمد بیگ کوماسی (۱۲۹۵-۱۲۱۲ هـ.ق) شاعر هم عصر مستوره نیز در رثای بانوی باوفایش، مرثیه سوزناکی سروده است. این مرثیه‌ها که به زبان کردی هورامی سروده شده از زبان دوشاعر مرد و زن گفته شده، تا حدودی من زنانه مستوره و احساسات مردانه احمد بیگ کوماسی در آنها تجلی پیدا کرده است. نگارنده در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام می‌شود، ضمن معرفی این مرثیه‌ها، قصد دارد به

سبک و بیان دوشاعر از منظر بلاغی بپردازد و آنها را از نظر تصاویر شعری، دخالت جنسیت در هنر سازه‌ها و همچنین سوزوگداز مندرج در آنها با یکدیگر برآورد کند.

**کلید واژه‌ها:** مستوره اردلان، احمد بیگ کوماسی، ادبیات تطبیقی، مرثیه.

## لیکۆلێنه‌وه‌یه‌کی به‌راوردکاری له وردبێنیه ریتۆریکیه‌کان له ئەلیژبیه‌کانی مه‌ستووهر ئه‌رده‌لان و

ئه‌حمهد به‌گ کوماسی

ئارزوو بو‌روومه‌ندی

پروفیسۆری یاریده‌ده‌ر، به‌شی زمان و ئه‌ده‌بی فارسی، فاکه‌لتی زانسته مرۆفایه‌تییه‌کان، زانکۆی نازادی ئیسلامی، لقی سنه، سنه: ئێران.

شینگی‌پری شیعی‌یکه بۆ ماته‌مینی بۆ کۆچکردوو نووسراوه و هاو‌خه‌می بۆ خزم و دۆستان ده‌رده‌ب‌ریت و په‌شیمانی بۆ کۆچی دوایی پاشا و پیر و سه‌رکرده‌کانی گه‌ل ده‌رده‌ب‌ریت و باس له ئازاره‌کانی پیاوانی ئایینی ده‌کات. زۆریه‌ی شاعیران به‌ زمانه‌ جۆراو‌جۆره‌کان نه‌زموونیان له‌گه‌ڵ ئه‌م جۆره‌ شیعه‌دا هه‌بووه. له ئه‌ده‌بی کوردیدا، شینگی‌پرییه‌کانی مه‌ستووهر ئه‌رده‌لان (۱۲۶۴-۱۲۲۰ی کۆچی) بۆ خوسره‌و خان ناکامی هاوسه‌ری زۆر به‌ناوبانگه. له‌م شینگی‌پرییه‌دا سۆزدارترین چه‌مه‌که‌کان له شیواندا بۆ هاوسه‌ره‌که‌ی به‌کارده‌هێنیت. له‌ لایه‌کی دیکه‌وه ئه‌حمهد به‌گ کوماسی (۱۲۹۵-۱۲۱۲ی کۆچی) که‌ هاو‌چه‌رخ‌ی مه‌ستووهریه، هه‌روه‌ها له شینگی‌پری هاوسه‌ری دلسۆزیدا شینگی‌زێکی زه‌ق و به‌رجاوی وتوو. ئه‌م شینگی‌پرییه‌که به‌ زمانی کوردی زاراوه‌ی هه‌ورامی نووسراون و دوو شاعیرکه‌ یه‌کیان پیاوه‌و ئه‌وی دیکه‌ ژن قسه‌یان کردوو، تا راده‌یه‌ک ئیگۆی ژناهی مه‌ستووهره و هه‌ستی پیاوسالاری ئه‌حمهد به‌گی کوماسییان ده‌رخستوو. له‌م وتاره‌دا که‌ به‌ میتۆدیکی وه‌سفیی-شیکاریی به‌ که‌لک وه‌رگرتن له سه‌رچاوه‌کانی کتێبخانه‌ به‌رپۆه‌ده‌چیت، نووسه‌ر و پزای ناساندنی ئه‌م شینانه، به‌ نیازه‌ له‌ روانگه‌یه‌کی ریتۆریکیه‌وه باس له‌ شپۆاز و ده‌رپینی ئه‌و دوو شاعیره‌ بکات و له‌ رووی و پێه‌ی شیعییه‌وه، تێوه‌گلانی ره‌گه‌ز له‌ پێکهاته‌ هونه‌رییه‌کان و ئه‌و ناوه‌رپۆکه‌ سووتینه‌ره‌ی که‌ تێیدا هاتوو، له‌گه‌ڵ یه‌کترا به‌راوردیان بکات.

وشه‌ سه‌ره‌کیه‌کان: مه‌ستووهر ئه‌رده‌لان، ئه‌حمهد به‌گ کوماسی، ئه‌ده‌بی به‌راورد، شینگی‌پری

## ۱. مقدمه

## ۱-۱ بیان مسأله

از زمانی که بشر رنج ازدست‌دادن عزیزان را بر خود دید، حسرت نداشتن آنها روحش را آزار داد و زمانی که کلام را وسیله‌ای برای ابراز احساساتش یافت، دریغ‌گویی و اندوه سرایی درمان درد بی‌درمان مرگ شد. مرثیه شعری است در ماتم درگذشتگان و تعزیت یاران و خویشان و یا اظهار تأسف بر مرگ شاهان و بزرگان و همچنین ذکر مصائب پیشوایان دین. (داد، ۱۳۸۰: ذیل مرثیه) مرثیه نقطه مقابل مدیحه است. اگر مدیحه نشاط درونی شاعر به‌واسطه نشاط و شعف ممدوح است؛ مرثیه اندوه و غم شاعر در مقابل حسرت و افسوس ممدوح و یا عزیزان خود شاعر است. هرچه رابطه بین شاعر و شخص درگذشته عمیق‌تر و احساسی‌تر باشد، مرثیه اندوه‌بار و جگرسوزتر است. مرثیه شاعر برای شاهان و بزرگان به‌خاطر احترام و جایگاه آنان است و بسته به نوع رابطه شاعر با آنان - یا حتی احترامی که آن بزرگان در میان دیگران کسب کرده‌اند - است. حال اگر شاعری از درد جانسوز مرگ عزیزش در تب‌وتاب باشد، شعرش نیز به‌مراتب شغب‌ناک‌تر و اندوه‌ناک‌تر خواهد بود. مرثیه بر حسب مناسبات سراینده با شخص درگذشته به مرثیه رسمی، شخصی و مذهبی تقسیم می‌شود. مرثیه رسمی در سوک ارباب قدرت، یعنی پادشاهان، وزیران و بزرگان لشکر یا وابستگان آنهاست و چون معمولاً بنا بر وظیفه سروده می‌شود، پرتکلف و خشک و بی‌روح است. در مرثیه شخصی شاعر به مناسبت ازدست‌رفتن یکی از خویشاوندانش، به‌واسطه پیوند عاطفی با شخص درگذشته معمولاً از سر اخلاص مرثیه می‌گوید که تراوش دلی سوخته و طبعی اندوهگین است. از این‌رو پرمایه و گیرا و جانسوز و پرسوزوگداز است. نوع دیگر مرثیه مرثیه مذهبی است که شاعران در سوک رهبران مذهبی، عالمان

دینی یا مصیبت امامان می‌سرایند. این نوع مرثیه، قدمت چندانی ندارد و تقریباً با رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران هم زمان است. (اصیل، ۱۳۷۶: ذیل مرثیه) در مرثیه شخصی سخن از مرگ فرزند، برادر، پدر، مادر، خواهر و نزدیکان دیگر یا معشوق است. مرگ معشوق که می‌تواند همسر شاعر باشد، دردی جانکاه است که توأم با حسرتی بی‌پایان است.

#### ۲-۱. پیشینه

پژوهشهایی که در باب مستوره انجام شده نسبت به برخی از شاعران تا حدودی قابل توجه است. شاید یکی از مهمترین عوامل این توجه به مستوره، ذو ابعاد بودن آثار و شخصیت مستوره است. او صرف نظر از اینکه همسر خسروخان اردلان بوده، آثار متعددی در زمینه‌های تاریخ، ادبیات، اصول دین و تذکره دارد. قدیمی‌ترین کسی که مستوره را به‌عنوان شاعری بزرگ مطرح کرد، عموی مستوره، میرزا عبدالله رونق بود که در تذکره امان‌اللهی از او نام برده، بیش از دویست و پنجاه بیت از اشعار مستوره را نیز نقل کرده است. ناصر آزادپور نیز تاریخ اردلان مستوره را در دهه سی هجری چاپ و منتشر کرد. بعدها عبدالله مردوخ کتاب شرعیات مستوره را تصحیح، چاپ و منتشر کرد. محمد ماجد مردوخ روحانی دیوان اشعار مستوره را تصحیح و منتشر کرد. در سال ۲۰۰۵ میلادی در اربیل عراق همایش چند روزه برگزار شد و مجموعه مقالات آن همایش در مجلدی همراه سایر آثار مستوره چاپ و منتشر شد. در این مجموعه مقاله، مقاله‌ای تحت عنوان: «مستوره و دامه‌زراندنی ژانری شیوه‌ن بیژی» از نجم الدین جباری چاپ شد که با این نوشته می‌تواند پیوند داشته باشد. در مقاله جباری ویژگیهای شعر فارسی مستوره بررسی شده تقریباً بخش اعظم مقاله را به خود

اختصاص داده سپس به زبان زنانه مستوره در مرثی، اشاره داشته است. اگر در باب مستوره، به دلایل گوناگون، پژوهشهایی نسبتاً قابل توجه انجام شده، در باره احمد بیگ کوماسی چندان پژوهش نشده است. تا آنجا که بررسیهای نگارنده نشان داده است، جز در کتابهای تاریخ ادبیات همچون آثار: مارف خزندار و علاءالدین سجادی و صدیق صفی زاده و جمال احمدی تحقیق چندانی در مورد احمد بیگ نشده است. همچنین در تذکره‌هایی چون: تاریخ مشاهیر کرد و شاعران نامدار کرد، مختصری به احمد بیگ پرداخته‌اند. در این کتابها البته تا حدودی جوانب شعری احمد بیگ به ویژه به مرثیه مشهور او پرداخته شده است. البته ناگفته پیداست که دو تصحیح از دیوان احمد بیگ منتشر شده است که یکی از آنها حکیم ملا صالح و آن دیگری را محمد علی سلطانی انجام داده‌اند. همچنین به سال ۱۳۹۴ همایشی در باره احمد بیگ کوماسی در مریوان برگزار شد و تعدادی مقاله در آن همایش ارائه شد، اما هیچ گاه مجموعه مقالات آن چاپ و منتشر نشد.

## ۲. مرثیه

### ۱-۲. تاریخچه مرثیه در ادب کردی و فارسی

عبدالحسین زرین کوب در یکی از آثار خود، قدیمی‌ترین شعر جهان را مرثیه حضرت آدم برای هابیل می‌داند که توسط قابیل کشته شده بود. او این سه بیت عربی را که به احتمال برگردانی از زبان سریانی بوده، به آدم نسبت داده است:

تغیرت البلاد و من علیها	فوجه الارض مغبر قبیح
تغیر کل ذی طعم و لون	و قل بشاشه الوجه الصبیح
فوا اسفا علی هابیل ابنی	قتیلٌ قد تضمنه الضریح

(زرین کوب، ۱۳۷۱: ۴۵۵)

باتوجه به این سه بیت می توان گفت که مرثیه و مرثیه سرایی از قدیمی ترین نوع ادبی است. در واقع می توان همچون لالایی و ترانه خوانی مادران برای فرزندانشان، مرثیه را به قدمت بشر عقب برد. در ادبیات ملل، مرثیه هم می تواند جزو ادبیات عامیانه باشد و هم جزو ادبیات منشیانه. بسیاری از مراثی ادبیات عامیانه متأسفانه ثبت و ضبط نشده و در طی قرون از بین رفته است، اما مراثی فراوانی در دیوانهای شعری شاعران ثبت شده است. در ادبیات فارسی سابقه مرثیه گویی به رودکی، شاعر سده چهارم می رسد. او در رثای دوستان و نزدیکان، شعر سروده است. از جمله: مرثیه در مرگ ابوالحسن مرادی و یا رثا در گذر جوانی و آمدن پیری که این نیز خود نوعی مرثیه شخصی است. بزرگانی چون فردوسی، خاقانی، نظامی، حافظ، سعدی، جامی، مسعود سعد نیز در مرثیه های شخصی اشعاری قابل توجه دارند.

ادبیات کردی هم از آن دسته ادبیات است که مرثیه سرایی در آن بسیار رایج بوده است. در اینجا برای تمهیدی بر بحث اصلی به چند شاعر و نمونه مرثیه هایشان اشاره مختصری می کنم:

احمد خانی (۱۶۵۰-۱۷۰۷م) شاعر کردزبان کردستان عثمانی در جزیره و بوتان، مرثیه بسیار زیبایی در منظومه عاشقانه مم و زین دارد. در این منظومه، وقتی مم در زندان میر وفات می کند، نه تنها زین، بلکه تمامی مردم جزیره در رثای مم، داد و فغان سر می دهند:

ئهو رۆژه که ئهوه هزاره پی مرد  
گش پیاو و ژنیک و لاو و پیرئ  
زاواو خه سوو خه زوور و بووکان  
زاناو نه زان نه ناس و خزمان

دهیگوت ئهوی شینی بو مه منی کرد  
بوو شین و شه پور له ناو جزیرئ  
بووتانی له گه وره تا بچووکان  
دارا و نه دار، بلنند و نزمان

ده‌رویش و به ریش و مهستی باده پاک و به چلک به کولک و ساده  
 کوینخاو به‌الآو هه‌له و شهل و گیر گشتی وه‌کوو یه‌ک بوو‌وونه شینگیر  
 (خانی، ۲۰۰۷: ۴۷۷)

مولوی کرد از شاعرانی است که در دیوان شعر هورامی خود، بیشترین مرثی را سروده است. او در حدود ۲۸ مرثیه در رثای شخصیت‌های گوناگون سروده است. از جمله این مرثی، ۸ مرثیه را در رثای عنبر خاتون، همسر باوفایش سروده که در نهایت اعجاز و هنرنامه‌یهای لفظی و معنوی است. در این مرثی سعی کرده است که مفاهیم مرگ را با مظاهر طبیعت کردستان چنان به هم گره بزند که از مرگ نیز بوی زندگی استشمام شود. به علاوه تصاویر بدیع هنری را نیز در این مرثی می‌توان به وضوح دید:

نیمسال نه‌ووه‌هار چون خه‌زان سهرد به‌رگ وهرد باغ مه‌عدووم به‌رد‌په‌ی ههرد  
 مشیو تال‌ی من خیلاف نه‌نگیز بو وهرنه‌که‌ی؟ کی‌دی؟ وه‌هار گول‌پز بو  
 بو‌ی عه‌نبه‌ر نه‌توی ده‌ماخم دوور که‌رد فرسه‌تش ناورد هه‌وای وه‌بای ده‌رد

(مولوی، ۱۳۸۳: ۱۴۶)

مولوی نیز زمانی که در سال ۱۳۰۰ هـ ق وفات می‌کند، بسیاری از علما و دانشمندان در رثای او مرثیه‌های سوزناک می‌سرایند. از جمله آنها ملاحامد کاتب است که علاوه بر دوستی با مولوی، کاتب شیخ عثمان سراج الدین بود و صاحب آثاری چون شرح مبسوط مثنوی مولانا جلال الدین است. در رثای مولوی می‌گوید:

آسمان گر خون ببارد بر وفات مولوی زبید ار برگ سیه پوشند اهل دنیوی  
 مجمع علم و عبادت مخزن صدق و صفا مظهر عقل و درایت میر ملک معنوی  
 پیرو شرع محمد شیخ اولاد حسین سالک راه طریقت در طریق اخروی  
 فارسی نظم و قصاید در حقیقت در مجاز ریزه چین خوان جودش صد امیر دهلوی  
 بهر تاریخ وفاتش آنقدر کردیم فکر کاسمان غش کرد بر مرگ جناب مولوی

(مدرس، ۱۳۸۵: ۳۶۶)

یکی از زیباترین مرثیه‌های ادب کردی، مرثیه‌ی ملا محمود مفتی، متخلص به بیخود (۱۹۶۵-۱۸۷۸م) برای برادر زاده‌اش است که در دجله غرق شده بود. شاعران بسیاری در ادب کردی به استقبال این مرثیه رفته‌اند:

له و رۆژهوه رۆیشتووه تـۆراوه دـلـی مـن  
 هه‌رچه‌ند ته‌گه‌ریم بی سهر و شوین ماوه دلـی مـن  
 ئاخۆ به چ شاخیکه‌وه گیرساوه دـلـی مـن  
 یا خو به چ شاخیکه‌وه سووتاووه دـلـی مـن  
 ئەو هه‌مدهمی غه‌مخوار و نه‌دیمی منه یا ره‌ب  
 ئەو مه‌حره‌می ئەسرار و قه‌دیمی منه یا ره‌ب  
 ئەو گه‌وه‌هر و شه‌هوار و یه‌تیمی منه یا ره‌ب  
 که‌وتۆته چ به‌ریکه‌وه، خنکاووه دـلـی مـن

(بیخود، ۱۳۹۳: ۶۵)

از دیگر مرثیه‌های سرایان ادب کردی، هزار مکریانی است که مرثیه‌های بلند و رفیعی برای ملا مصطفی بارزانی سروده است. او پس از وفات ملا مصطفی هر سال مرثیه‌ای برای او می‌سرود. جمعاً یازده مرثیه در رثای ملا مصطفی سروده است:

بارزانی! باوکی پیروزم	جیی فه‌خر و شانازی و هوژم
ئه‌وه ماوه‌ی یازده ساله	که له من سه‌دهه‌زار ساله
هه‌ر به رواله‌ت لیم ته‌ریکی	وه‌کی دیش هه‌ر لیم نزیکی

(هزار، ۱۳۸۵: ۳۶۱)

۲-۲. مرثیه‌ی مستوره اردلان و احمد بیگ کوماسی

۲-۲-۱. مرثیه‌های مستوره برای خسروخان

ماه شرف خانم متخلص به «مستوره» از خاندان قادریه‌های سنندج در سال ۱۲۲۰ هـ ق / ۱۸۰۴م، در سنندج متولد شد. ابوالحسن پدر مستوره با دربار حاکمان اردلان رفت



و آمد داشت و جزو بزرگان شهر به شمار می‌آمد. مستوره در اوان کودکی به مکتب می‌رفت و تحصیل می‌کرد. اگرچه در آن دوران کسب علم و دانش برای زنان رواج نداشت، او زنی فرهیخته و ساعی بود که علوم ادبی و دینی و خوشنویسی را به خوبی آموخت و در دوران کوتاه عمرش که کمتر از پنجاه سال بوده است هرآنچه که می‌توانست آموخت. مستوره ذوق و استعداد شایانی در سرودن شعر به زبانهای فارسی و کردی با دو گویش هورامی و سورانی داشت. از انبوه ابیات او تنها ۲۰۰۰ بیت آن باقی است. علاوه بر شعر، در نثر نیز ید طولایی داشت. منشآت زیبای او، گویای این فرهیختگی و توانایی است. علاوه بر علوم ادبی در علوم شرعی نیز توانمند بود و کتابی بر اصول و فروع دین بر اساس مذهب شافعی نوشته است که در آن به تمامی اصول و فروع دین که مورد نیاز و سؤال مسلمانان بوده است بسیار به اختصار پرداخته است. شاید بتوان گفت که مستوره در زمان خود راهنمای دینی مورد اعتماد مردم به ویژه بانوان بوده است. از علوم ادبی و شرعی که بگذریم، ماه شرف خانم در نوشتن تاریخ نیز درخشش داشته است. او در کتاب «تاریخ الاکراد» به شرح و توضیح در باره حکومت اردلانها از آغاز تا زمان حیات خود پرداخته است. بر اساس نوشته‌های خانم اوگینا واسیلی آوا، مستوره تحت عنوان همسر دوم با خسرو خان اردلان، (مشهور به خسرو ناکام) ازدواج کرد و خسرو را بسیار دوست می‌داشت. و باعث شد تا دوستی و محبت فراوانی در قلب خسروخان نیز ظاهر شود. (گازرانی، ۲۰۰۵: ۲۴) این عشق و دلدادگی، آنچنان عمیق بود که بعد از مرگ خسروخان نیز همچنان مستوره را احاطه کرده بود و باعث شد تا ماه شرف خان وفادار و عاشق به سرودن مرثیه‌های سوزناک و دل انگیزی در ماتم عزیز از دست رفته بپردازد. عمر گرانبهای مستوره تنها ۴۳ سال بود که با آه و حسرت و بیماری در دیار غربت به پایان می‌رسد. و پیکرش را در

آرامستان «گردی سیوان» نزدیک سلیمانیه به خاک می سپارند. آثار برجسته و در دسترس او، دیوان اشعار، منشآت فارسی، کتاب شرعیات، تاریخ الاکراد و مجمع الادبا است. متأسفانه از کتاب مجمع الادبای او اثری برجای نمانده است.

## ۲-۲-۲. ویژگیهای مراثی مستوره

ماه بانوی آسمان ادب کردی، کلامی شیرین و استوار دارد که صلابت و اصالت را در خود نهفته است. شعر مستوره در عین شیوایی و سادگی از ظرافتهای هنری، ادبی و بیانی فراوانی برخوردار است. واژه‌های مناسب و تراش خورده، شعر او را آبدار و قابل توجه کرده است. کلمات به کار برده شده در ابیات، مناسب موضوع و به اندازه است. کاستی و یا افزایشی در به کار گیری واژه‌ها وجود ندارد. و سخن همانجایی به پایان می‌رسد که واژه‌ها به اتمام رسیده‌اند. به کارگیری عبارات مشخص و گوش آشنا در شعر، نشان از مطالعه در آثار دیگر شاعران نیز دارد. بانوی شعر دوست کردستان، آثار پیشینیان را خوانده است و به خوبی توصیفات و استعارات آنها را درک کرده، در شعر خویش به کار برده است: باد عنبر بیز، نوش لعل، سرو خرامان، سیل اشک، پیر میخانه، نرگس مستانه، مغ بچه ترسا، غالیه سا، نافه گشا و تعبیرات فراوان دیگری که در دیوان شعرش به وفور دیده می‌شود. مستوره در مرثیه‌هایش حضوری پررنگ دارد و حساسیت عاطفی شاعر در پدیده‌های اطرافش به خوبی نمایان است. مستوره در غمنامه‌های خود، کاملاً شاعری رمانتیک است که روح غم و غصه ناشی از مرگ خسرو را در پیکره شعر خود وارد کرده است و به آن جان بخشیده است. مرثیه مستوره، مرثیه‌ای رمانتیک و شخصی است که ناشی از تنهایی، عشق، هجران، سفر و

شکستهای شخصی است. شاعر دغدغه جمعی و انسانی ندارد او سرگردان و مضطرب، مرثیه‌گوی دل دیوانه خویش است.

تصویرها در زبان مستوره به قدری لطیف و زنانه است که می‌توان لقب تصویر مؤنث را بر آنها نهاد. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۴۲)

جگهر که یل هوون هه ناسه سهردم      ئه سرین سه روازان نه چیه‌ره‌ی زهردم

(مستوره، 1390: 313)

این سرگشتگی و شوریدگی ناشی از غم و اندوه فراوان در سراسر مرثیه حاکم است و گویی زنجیری است که هر بیت حلقه‌ای از آن زنجیر است و پیوستگی تصاویر پرداخته شده را ایجاد می‌کند. احساسات مستوره کم‌کم خود را در شعر نشان می‌دهد و با ترکیبی درست و منطقی پیش می‌رود تا به اوج خود می‌رسد و شاعر تجربیات روحی خود را بازگو می‌کند. گفت‌وگوهای پی‌درپی شاعر با معشوق تصاویر زیبایی می‌آفریند و در این راه از همه اشیا و اماکن اطراف خود کمک می‌گیرد و با احساسات خود در کالبد آنها روح می‌دمد تا جان بگیرند و در بیان این اندوه بی‌پایان یاریگرش باشند. مستوره به زیبایی و با مهارتی خاص اشیا را جان می‌بخشد. به‌ویژه امکانی را که خسرو در آنها حضور داشته است.

کولاه      فوره‌نگی      بی‌ساحیب      مه‌ندهن  
خهم ریچه‌ی شادیش جه‌بنخ هور که‌ندهن  
مه‌گروه‌وؤ په‌ی به‌خت سیای ویش ته‌لار  
نمه‌یوش نه گوش سه‌دای مووسیشق  
کتیبخانه‌ت چول بی زهوق و شه‌وقه‌ن  
بی ده‌ماخی ئه‌و جه‌گشت مافه‌وقه‌ن

(مستوره، 1390: 319)

لیلان فورست معتقد است شاعر رمانتیک سعی دارد موضوع و محتوایی عاطفی و احساسی را در شکل و صورتی تخیلی و خلاقانه به تصویر درآورد. (فورست، ۱۳۷۵: ۲۰) مستوره آرزومند گفت‌وگوی مجدد با خسرو است و به مدد خیال و با شیوه‌ای زیبا و خلاقانه این بار خواب را به کمک می‌گیرد. شیون و گریه‌های شبانه مانند دارویی خواب‌آور شاعر را به خوابی طولانی فرو می‌برد تا در خواب به زمانی دیگر برود، به آن زمانی که خسرو زنده است و مانند گذشته در عمارتش رفت‌وآمد می‌کند و دوستان وفادار خویش را به حضور می‌طلبد و به شادمانی می‌پردازد.

پهره‌ی ناکامیت مه‌گره‌وام وه تاو  
 جه به‌دبه‌ختی ویم سهر نیام وه خاو  
 دیم جهو خاو مهرگ، شای جهم وه‌قارم  
 مه‌سرووری ده‌روون ریش زامارم  
 جه کتیبخانه چون هه‌رده جاران  
 نه ده‌ورت دلشاد جهم به‌ستهن یاران

(مستوره، ۱۳۹۰: ۳۱۴)

مستوره به زیبایی و با مهارتی خاص و دقتی کم‌نظیر همه‌حالات و رفتارهای خسرو را به تصویر می‌کشد و گویی خسرو زنده است و خود ایفاگر نقش است. با اطرافیان مجلس عیش و سرور دارد و مانند گذشته غرق در شادی و غرور خسروانه است. مستوره که نظاره‌گر این شادمانی و بزرگی است، از فرصت استفاده می‌کند و یک بار دیگر وفاداری و دلدادگی خویش را به خسرو یادآور می‌شود:

سه‌وگه‌ندم به زات حه‌ی بیچوونه‌ن  
 مه‌یلیم چه‌نی تو جه‌ی وه‌ر ته‌فزوونه‌ن

(مستوره، ۱۳۹۰: ۳۱۵)

غم مرگ نا به هنگام خسرو آنقدر سنگین است که مستوره به تنهایی توانایی تحمل و به دوش کشیدن آن را ندارد. بنابراین با زیبایی و حسی شاعرانه در یکی از مرثیه‌ها، بهار و گلها و گیاهان را به یاری می‌طلبد تا با یکدیگر به سوک بنشینند:

سپای گولالان خوار و نگوون بان  
 شه‌فایق رهنگ زهرد جگهر پر هوون بان  
 نه‌سیم سه‌با نه‌یو وه چه‌مهن  
 نه شانۆ شه‌ونم وه رووی نه‌سته‌ره‌ن

(مستوره، ۱۳۹۰: ۳۲۱)

او افسوس خود را در قالب آرزویی غیر ممکن بیان می‌کند. آرزوی نیامدن بهار و نرویدن گلها و گیاهان. گویا شاعر می‌خواهد اندوه و حسرت خود را به تمام کائنات تعمیم دهد و همه آنها را در غم از دست دادن محبوبش شریک بداند. مستوره ساده و صمیمی سوکواری می‌کند و نرد عشق می‌بازد. اگر چه شعرش رمانتیک است اما در مرثیه‌هایش استعاره به کار نمی‌برد او دلالت ضمنی و اشاری در تصویرسازی‌هایش ندارد. صریح و مستقیم و در مقام تشبیه تصویر سازی می‌کند.

شعر رمانتیک و زبان زنانه در مرثیه‌های مستوره به نمایش درآمده است. برخلاف اشعار فارسی او که خبری از زنانگی و احساسات لطیف زنانه نیست، در مرثیه‌ها لطافت و رقت احساسات به حدی است که بی‌شک هر خواننده ناآشنا نیز می‌تواند رد پای یک زن را در آن پیدا کند. استفاده از تعابیر و اصطلاحات سوکوارانهای که ویژه زنان است و همچنین شرطهایی که عموماً بانوان در مرگ عزیزان برای خود الزام می‌کنند و البته به آن نیز پایبند هستند.

سا ویم به قوربان تاریکی یانته  
 نهو ماوای ده‌یجوور چؤل ویرانه‌ت

جه زبان لال بام وینه‌ی نه‌قش سه‌نگ  
به‌ی چیش جات گرته‌ن تو نه قه‌ور ته‌نگ

(مستوره، ۱۳۹۰: ۳۱۷)

کلام مستوره بعد از مرگ خسرو سیاه پوش می‌شود و نوای سنگین عزا را می‌نوازد.

باقی تا ئه‌ورۆ عومر به‌رجام بو  
شهرت بو په‌ی خه‌سره‌و هه‌ر واوه‌یلام بو  
تا خالق گیرو دیوان مه‌حشهر  
شین مه‌ستوره‌و جه شیرین به‌ته‌ر

(مستوره، 1390: 319)

### ۳-۲. احمد بیگ کوماسی

احمد بیگ (بگ) کوماسی در سال ۱۷۹۸ م، در روستای «بردسپی» از نواحی مریوان دیده به جهان گشود. از نام خانوادگی‌اش پیداست که از طایفه کوماسیهاست که از نظر مالی مشهور بودند. او مقدمات علوم را خوانده است و مدتی را در سنندج کسب علم کرده. با مولوی کرد ارتباطاتی داشته است و مولوی از او با نام «خالوی کوماسی» یاد کرده است. شعر کوماسی هجایی است و گاهی در میانه هجاها سخته نیز دیده می‌شود. محتوای اشعار او عشق و وصف است و به نظر می‌آید برای معشوقی مشخص که احتمال دارد شیرین یا لیلا نام داشته شعر سروده است (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۲۴) توصیفات زیبا و دقیق نشان از طبعی لطیف و ذوقی سرشار دارد. اگر چه احمد بیگ ابیات زیادی سروده است اما مرثیه بسیار زیبایی دارد که از نظر مینورسکی از بسیاری جهات و جنبه‌های هنری بر مرثیه دیگر زبان فارسی دارای برتری و زیبایی است. کوماسی در رثای همسرش و یا معشوش مرثیه هورامی زیبایی سروده است. «گلکوی تازه‌ی له‌یل» نام مرثیه‌ای است که احمد بیگ کوماسی در رثای معشوق خود سروده

است. این شعر در مدت زمان اندکی آن قدر مشهور شد که گاهی احمد بیگ را تحت عنوان شاعر: «گلکوی تازه‌ی لهیل» خطاب می‌کردند و می‌شناختند. سرانجام احمد بیگ در سال ۱۸۷۸ م، در زادگاهش دیده از جهان فرو بست. طبق نامه‌ای که ابوالوفای کردستانی برای محمد مکرری نوشته است، محل دفن احمد بیگ، گورستان تایلۀ سنندج است. (حکیم ملا صالح، ۱۳۹۰: ۶)

## ۲-۴. ویژگیهای مرثیه احمد بیگ

شاعر مرثیه خود را در خطاب به قبر معشوق آغاز می‌کند.

گلکوی تازه‌ی لهیل گلکوی تازه‌ی لهیل  
 ئارۆ شیم وه‌سه‌ر گلکوی تازه‌ی لهیل

(احمد بیگ، ۲۰۱۲: ۱۳۱)

در ابیات آغازینش آنچه را که می‌بیند مورد خطاب قرار می‌دهد. و آه و اندوه خود را با سنگ مزار معشوقش

درمیان می‌گذارد:

شیم وه‌سه‌رینش وه‌دله‌ی پر جۆش  
 سه‌نگی مه‌زارش گرتم نه ئاغووش

(همانجا)

گله و شکایت شاعر بیشتر بابت تنهایی و بازماندگی خود است تا رفتن و ناکام ماندن معشوق:

سه‌ر هۆر ده نه خاک سه‌ول خه‌رامان  
 من مه‌جنوونی تۆم وه‌ی ته‌ور پی‌م ئامان  
 کۆچی بی‌واده‌ت کاری پی‌م که‌رده‌ن

## بیزارم جه گیان رازیم وه مه‌ردهن

(احمد بیگ، ۲۰۱۲: ۱۳۲)

کوماسی با بهره‌گیری از صنعت تلمیح در جای جای مرثیه‌اش، با قیس بن ملوح و با اشاره به داستان لیلی و مجنون، هم ذات پنداری می‌کند و اندوه خود را همانند اندوه او سنگین و جگرسوز می‌داند. اودر هشت بیت، خود را مجنون نامیده است:

واتم ئه‌ی دلسۆز قه‌یس لونگ وه کۆل  
 مه‌باره‌کت بۆ یانه‌ی بیدی چۆل  
 سه‌ر هۆر ده نه خاک سه‌ول خه‌رامان  
 من مه‌جنوونی تۆم وه‌ی ته‌ور پیم ئامان

(احمد بیگ، ۲۰۱۲: ۱۳۱-۱۳۲)

گله و شکایت از روزگار ظالم و بی مروت خواندن آن یکی از بسامدهای بالای مرثیه‌خوانی است که در شعر شاعران کرد نیز به فراوانی وجود دارد. گویی تنها مقصر همه‌ اتفاقات بد و ناخوایسته، روزگار است. و البته نیم‌نگاهی هم به اندیشه‌ جبرگرایی دارد:

جه‌و ساوه گه‌ردش چه‌رخ پر سته‌م  
 من و تۆ وه‌ی ته‌ور جیا که‌رد جه‌ه‌م  
 تۆ به‌رده‌ن وه خاک سیای ته‌نگ و تار  
 من مام په‌ی ئازار جه‌فای رۆژگار

(احمد بیگ، ۲۰۱۲: ۱۳۲)

تشبیهات و استعارات زیبایی در مرثیه‌ احمد بیگ وجود دارد که گویای کلامی شیوا و سخسته است. چشمان آهووش معشوق و ابروی همچون کمان سیاه که هر لحظه تیر نگاه را پرتاب می‌کند:



ئه و دیده‌ی مه‌خموور ئاهوو بیژ تو  
ئه و قه‌وس قه‌تران شه‌رئه‌نگیز تو

(احمد بیگ، ۲۰۱۲: ۱۳۵)

و با افسوس می‌گوید:

ئیسه له گه‌ردش چه‌رخ نیلی ره‌نگ  
بی ره‌ونه‌ق بییه‌ن چوون نه‌قش رووی سه‌نگ

(احمد بیگ، ۲۰۱۲: ۱۳۶)

احمد بیگ مرثیه را به چاشنی گله و شکایت می‌پروراند و با مهارتی خاص بعد از ابیاتی مشحون از اندوه ناشی از سکوت معشوق، مناظره‌ای برپا می‌کند:

هام وه سه‌رینت زار زار منالوو  
خاک یانه‌ی نوّت وه چه‌م مه‌مالوو  
تو هیچ نیت وه ته‌نگ بی قه‌راری من  
جه ئه‌لویدای سه‌خت شین و جاری من

(احمد بیگ، ۲۰۱۲: ۱۳۷)

وقتی از معشوقش پاسخی نمی‌شنود، همچون عاشق سرگشته‌ای که قصدش به سخن آوردن معشوق سنگدل است با کلامش معشوق را وادار به دفاع از خود می‌کند و بالاخره به سخن می‌آید:

نمه‌ده‌ی جواو نوخته‌ی خالّ بینگه‌رد  
مه‌علومهن جه لات مريلم بییه‌ن سه‌رد

(احمد بیگ، ۲۰۱۲: ۱۳۷)

تیرش به هدف می‌خورد و معشوق در مقام دفاع از خود به گفتگو می‌نشیند:

دیم سه‌دایی نه‌رم نه تۆی خاکه‌وه  
 نه یانه‌ی تازه‌ی چه‌سره‌تناکه‌وه  
 ئامانه‌ گۆشم چوون هه‌رده‌ جاران  
 واتش ئه‌ی مه‌جنوون ویلی کۆساران

(احمد بیگ، ۲۰۱۲: ۱۳۸)

احمد بیگ ادامه‌ی مناظره با معشوق را به مباحث فلسفی و پرمعنایی در رابطه با مرگ و جبر ناشی از آن سوق می‌دهد. و این بار معشوق در مقام دانایی سخندان ظاهر می‌شود و شاعر را به آرامش و تفکر درباره‌ی رویداد ناگزیر مرگ دعوت می‌کند:

جه «یوم الست» تا وه‌رۆی مه‌حشه‌ر  
 که‌س جه یام مه‌وت به‌ر نه‌شیه‌ن وه به‌ر

(احمد بیگ، ۲۰۱۲: ۱۳۹)

مناظره یک طرفه پیش می‌رود و معشوق تا پایان شعر، متکلمی است که شاعر را به بیداری و آگاهی می‌رساند.

### ۳. نتیجه‌گیری

مرثیه انبوهی از اندوه، گله و شکایت و آه و نفرین است که شاعر را به واگویی آنچه که درونش را ریش کرده است، وامی‌دارد. حال اگر آن درگذشته، معشوق و هم‌نفس با ارزشی بوده باشد، گیرایی و شیوایی شعر دوچندان می‌شود. مرثیه شخصی، کلامی زیبا و آتشین است که دل هر خواننده‌ای را به درد می‌آورد.

دو مرثیه از دو شاعر با یک زبان مشترک اما از دو نگاه متفاوت مورد بررسی قرار گرفت. مرثیه یک زن سوکوار و غمناکه یک مرد غمبار. مستوره صدای مردانه‌ی شعرش را به سکوت وامی‌دارد تا زنانگیش را به کمک گیرد و اندوه سرایی کند. او خسرو را سرور و مولایی مقتدر می‌داند که حتی بعد از مرگش نیز دردل مستوره با همان صلابت

و هیبت گذشته زندگی می‌کند. مستوره از زبان همهٔ ارکان عمارت خسرو، با او حرف می‌زند و عظمت گذشته را یاد می‌کند. احمد بیگ اما افسوسش از ظلمی است که در حق او روا داشته شده. مرگ لیل (همسرش) سپاهی گران و غارتگر است که بر او فرود آمده است و شادیش را به تاراج برده است. مستوره در مرثی خویشت در جای جای ابیاتش، برخسرو و ناکامی او لابه‌گری می‌کند و جز در مواردی اندک برای خود شیونی سر نمی‌هد. حال آنکه این قضیه در مرثیهٔ احمد بیگ وارونه است. احمد بیگ از تنهایی و جوروی که در حق او شده می‌نالند. از اینکه روزگار او را افسرده کرده است و غمگین و گله‌مند است و فقط در یک یا دو بیت است که مرگ معشوقش را پایان زیبایی و جوانی برباد رفتهٔ او می‌داند. در یک طرف این مقال بانویی پر احساس ایستاده است که شادی و جوانی کم دوام خود را در تابوت همسرش می‌نهد و توشهٔ سفرش می‌کند تا تنها نباشد و در سوی دیگر مردی عاشق است که از سفر بی‌موقع و نابهنگام همسرش می‌نالند زیرا بعد از او تنها مانده است و بر خود افسوس می‌خورد. با وجود این دو نگاه متفاوت، اما جذابیت و ظرافتی بی‌بدیل در سرودهٔ هر دو شاعر وجود دارد که گوش را می‌نوازد و روح را تسخیر می‌کند. تعبیرات زیبا، تشبیهات ملموس، جان بخشی به اشیاء و افسوسی که سراسر شعر را در بر گرفته و لحظه‌ای از یاد نمی‌رود، ویژگیهای برجستهٔ مرثی این دو شاعر است. درد را از هر طرف که بخوانی درد است.

### منابع

- احمدی، جمال (۱۳۹۵). تاریخ ادبیات کردی از آغاز تا جنگ جهانی اول. کردستان. سقز: گوتار.
- اصیل، حجت الله (۱۳۷۶). فرهنگ نامهٔ فارسی به سرپرستی حسن انوشه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

بینخود. مهلا مه محمود (۱۹۷۰). دیوانی بینخود. کوکردنه‌وه و ریکنخستنی همه‌ی مهلا که‌ریم. بغداد: سلمان الاعظمی.

خانی. نه‌حمده (۲۰۰۸). مهم و زین. ناماده‌کردن و پوراویژ به‌ستنی: هه‌ژار. هه‌ولیر: نارس. خه‌زنه‌دار. مارف (۲۰۱۰). میژووی نه‌ده‌بی کوردی. به‌رگی سیهم. هه‌ولیر: نارس. داد، سیما، (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱). سیری در شعر فارسی. تهران: علمی.

فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن.

فورست، لیلیان (۱۳۹۴). ناتورالیسم. ترجمه: حسن افشار. تهران: مرکز.

کوماسی، احمد بیگ (۲۰۱۲). دیوان شعر. تصحیح محمد علی سلطانی. عراق: سلیمانیه

کوماسی، احمد بیگ (۱۳۹۰). دیوان احمد بیگ. تصحیح: حکیم ملا صالح. سنندج: کردستان.

گازرانی، ایوب (۲۰۰۵). مستوره اردلان زندگی و معرفی آثار. اربیل: آراس.

مدرس، ملاعبدالکریم (۱۳۸۵). یادى مردان. سنندج: کردستان.

مستوره، ماه شرف خانم، (۱۳۹۰). دیوان شعر. تصحیح ماجد مردوخ روحانی. تهران: آنا.

مولوی کرد، عبدالرحیم (۱۳۸۹). دیوان مولوی. تصحیح ملا عبدالکریم مدرس. سنندج: کردستان.

هه‌ژار. عبدالرحمن شرفکندی (۱۳۸۵). بۆ کوردستان. سنندج: هه‌ژار.

## Resources

Ahmadi, Jamal (۲۰۱۵). The history of Kurdish literature from the beginning to the First World War. Kurdistan. Turpentine: Gutar.

Asil, Hojjatullah (۱۳۷۶). Persian dictionary under the supervision of Hassan Anoushe. Tehran: Printing and Publishing Organization.

- automatically Mahla Mahmoud (۱۹۷۰). Diwani by himself. The rise and rise of Hama Mullah Karim. Baghdad: Salman al-Azami.
- house Ahmad (۲۰۰۸). Mam and Zain Preparing and serving ice cream: ۱'۰۰۰. Howler: Aras.
- treasurer Marf (۲۰۱۰). Kurdish literary magazine. Onion leaves Howler: Aras.
- Dad, Sima, (۲۰۰۸). Dictionary of literary terms. Tehran: Pearl.
- Zarrin Koob, Abdol-Hosseini (۱۹۹۲). A Journey through Persian Poetry. Tehran: Elmi.
- Fatouhi Rudmoejni, Mahmoud (۲۰۰۶). Rhetoric of Image. Tehran: Sokhan.
- Forest, Lilian (۲۰۱۵). Naturalism. Translated by: Hassan Afshar. Tehran: Markaz.
- Kumasi, Ahmad Beg (۲۰۱۲). Poetry Collection. Edited by Mohammad Ali Soltani. Iraq: Sulaymaniyah
- Kumasi, Ahmad Beg (۲۰۱۱). Poetry Collection. Edited by Hakim Molla Saleh. Sanandaj: Kurdistan.
- Gazrani, Ayub (۲۰۰۵). Mastroeh Ardalan: Life and Introduction to Works. Erbil: Aras.
- Modarres, Molla Abdul-Karim (۲۰۰۶). Yadi Mardan. Sanandaj: Kurdistan.
- Mastroeh, Mah Sharaf Khanum, (۲۰۱۱). Poetry Collection. Edited by Majid Mardukh Rouhani. Tehran: Anna.
- Molavi Kurd, Abdol-Rahim (۲۰۰۹). Diwan Maulvi Correction of Mullah Abdul Karim Modares. Sanandaj: Kurdistan.
- thousand Abdulrahman Sharafkandi (۱۳۸۵). in Kurdistan Sanandaj: ۱'۰۰۰

## **A Comparative Study of Rhetorical Subtleties in the Elegies of Mastoor Ardalan and Ahmad Beg Kumasi**

**Arezo Boromandi<sup>1</sup>**

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature,  
Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sanandaj Branch,  
Sanandaj: Iran.

### **Abstract**

An elegy is a poem written in mourning for the deceased, expressing condolences to relatives and friends, expressing regret over the death of kings, elders, and leaders of the people, and mentioning the sufferings of religious leaders. Most poets in various languages have had experiences with this type of poetry. In Kurdish literature, the elegy of Mastoora Ardalan ( ۱۲۶۴-۱۲۲۰ AH) for her husband Khosrow Khan Nakam is very famous. In these elegies, he uses the most passionate and emotional concepts in his elegy for his wife. On the other hand, Ahmad Beg Kumasi ( ۱۲۹۵-۱۲۱۲ AH), a contemporary of Mastoora, also wrote a poignant elegy in the elegy of a faithful lady. These elegies, written in the Kurdish language of Hawrami and spoken by two poets, male and female, have to some extent manifested the feminine ego of Mastoora and the masculine feelings of Ahmad Beg Kumasi. In this article, which is conducted with a descriptive-analytical method using library resources, the author, while introducing these elegies, intends to address the style and expression of the two poets from a rhetorical perspective and to compare them with each other in terms of poetic images, the involvement of gender in artistic structures, and the incendiary content contained in them.

**Keywords:** Mastoora Ardalan, Ahmad Beg Kumasi, comparative literature, elegy.

---

1 . Arezo.bromandi@yahoo.com